



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

رابطه میان محیط کلاسی بر فرآیند یادگیری دانش آموزان در مدارس

نرگس صداقت^۱

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد پردیسان قم

چکیده

کلاس درس مکانی اجتماعی است و حضور و تعامل دانش آموزان با همسالان در این محیط، باعث می شود استعدادها و یا مشکلات و ضعف آن ها آشکار شود و همچنین کاهش یا افزایش یابد. ادراکات دانش آموزان از همسالان و نوع روابط موجود در یک کلاس در نظر گرفته می شود و آن را جو اجتماعی تعریف کرده، جنبه اجتماعی محیط کلاس در عنوان که به کیفیت روابط در کلاس اطلاق می شود. در اواخر سال ۱۹۵۰ میلادی، روشی جدید برای بررسی مسائل علم انسانی و تربیتی به وجود آمد و اصطلاح جو یا محیط را مورد استفاده همگان قرار داد. اصطلاح جو یا محیط به عنوان سیستمی متشکل از ابعاد وضعیتی که بر افراد شرکت کننده تأثیر می گذارد، شناخته شده است. ابعاد وضعیتی می تواند دربرگیرنده ی چهار عامل اجتماعی، جسمی، عاطفی و فکری باشد.

واژگان کلیدی: دانش آموزان، آموزش و پرورش، یادگیری، سلامت، کلاس درس، مدارس.

مقدمه

آموزش و پرورش زیربنای رشد همه جانبه جامعه است و باید زمینه ساز رشد و تحول بیشتر جامعه باشد. می توان گفت که شرط سلامت و رشد هر جامعه به کیفیت نظام تعلیم و تربیت آن وابسته است. بنابراین آموزش و پرورش که ریشه های خود را در تار و پودر جامعه دوانده است، دارای بالاترین اهمیت . می باشد در این میان مدرسه جامعه ای کوچک است که سلامت اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی جامعه با کیفیت آموزش در واحدهای آموزشی آن مرتبط است. اگر مهارت ها، نگرش ها و اطلاعات لازم برای موفقیت در جامعه ی بزرگ در جامعه کوچک (مدرسه) آموخته و تمرین نشود جامعه در تحقیق رسالت خود موفق نخواهد بود و از آنجا که تنها جایی که تمام فعالیت ها و برنامه ها به منظور حصول نتایج مشخص آموزشی، یعنی فراگیری دانش ها و مهارت ها در آن به صورت مشخص و مستقیم تحقق می یابد، کلاس درس است. اساساً، امروزه، توجه و جهت گیری اصلی متفکران تعلیم و تربیت معطوف و متوجه به مجموعه رویدادها و اتفاقاتی است که در محدوده ی آن رخ می



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دهد. با این تعبیر، آنچه که مجموعه رخدادهای کلاسی تلقی می شود، حاصل فرایندهای یاددهی معلمان و یادگیری دانش آموزان است و کلاس ثمربخش، کلاسی است که از یاددهی به یادگیری گذر کند، بنابراین آنچه در محیط آموزشی به وقوع می پیوندد و یا عملاً به اجرا گذاشته می شود نقش اساسی و مستقیم در تجربیات و یادگیری دانش آموزان ایفا می کند. به عبارت دیگر بخش اعظم تأثیرگذاری نظام آموزش و پرورش را باید در آنچه که در محیط یاددهی و یادگیری به منصف ظهور می رسد جست و جو کرد. در این کلاس ها سه مجموعه متغیر مهم و موثر در یادگیری عبارتند از: دانش آموز، معلم و فرایند آموزشی به دلیل آنکه دانش آموزان به منزله مخاطب اصلی نظام آموزشی، در مرکز فرایند یاددهی- یادگیری قرار دارند، مهم ترین متغیرهای کلاسی به شمار می آیند، و معلم به عنوان عامل و فاعل اصلی و نقش آفرین کلاس درس، نقش مهمی را ایفا می کند. در این بین، فرایند آموزشی یاددهی- یادگیری نقش حیاتی و مهمی را در این چرخه ایفا می کند، چرا که دانش آموزان به واسطه آنچه که در این فرایند به وقوع می پیوندد، فعال می شوند به همین دلیل امروزه صاحب نظران آموزش و پرورش اکثر نظام های آموزشی کشورهای پیشرفته به اهمیت استراتژیک فرایند یاددهی و یادگیری به عنوان موضوعی حساس و مهم، پی برده اند و هر از گاه با اعمال تغییرات مناسب به اصلاح فرایند یاددهی و یادگیری نظام آموزشی خود پرداخته اند. در این میان نقش تعامل و ارتباط فراگیران با یکدیگر حایز اهمیت است. مدارس جوامع یادگیری کوچکی هستند که در آن ها دانش آموزان فقط از محتویات روی صفحه یا پرده یاد نمی گیرند، بلکه آن ها از ایجاد رابطه با معلم و دیگر دانش آموزان یاد می گیرند. سازندگی در جامعه نیازمند پویایی و هدمندی جوانان و نوجوانان آن می باشد و از آنجایی که ارتقاء علمی و فرهنگی در هر جامعه به بهبود کیفیت آموزش و ارتقای محیط های یادگیری به منظور ایجاد بستر مناسب در راستای رشد و پویایی وابسته می باشد، تأثیری که محیط فیزیکی یادگیری شامل فضا و امکانات آن بر جو روحی و روانی دانش آموزان می گذارد یکی از متغیرهای مهمی می باشد که در اکثر پژوهش های کاربردی نادیده انگاشته شده است. روانشناسان تربیتی معتقدند باید تغییرات در راستای بهبود جو روانی و ایجاد جو مثبت در جهت سلامت روان و یادگیری احساسی- اجتماعی بکار گرفته شود.

جو کلاس درس

پژوهش در باب جو کلاسی به بیش از شش ده قبل برمی گردد. کلاس به عنوان جامعه ی کوچک و فرعی از افراد متفاوتی تشکیل شده است که از نظر تجارب، فرهنگ، شخصیت و غیره باهم متفاوتند. این افراد خصوصیات خود را به درون کلاس می آورند و به همین دلیل جو روانی اجتماعی متفاوتی بر کلاس ها حاکم است. فرهنگی که هر کلاس در خود جا می دهد ارتباط تنگاتنگ با افرادی دارد که در آن کلاس فعالند دارد، وجود تفاوت های فردی بین افراد در کلاس باعث به وجود آمدن تعاملات روانی، فکری، اجتماعی و اخلاقی در آن کلاس می شود که این تعاملات حکایت از جو روانی اجتماعی کلاس دارد و از طرف



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دیگر چون افراد کلاس متفاوتند در نتیجه جوهای متفاوتی در کلاس-ها دایر است لذا تعاریف متفاوتی برای جو باید موجود باشد.

جو کلاس به فضای کلاس درس، یعنی خصوصیات اجتماعی و روانشناختی و هیجانی آن اطلاق می شود، جو کلاس تا حد زیادی، تعامل بین معلم و دانش آموزان را تعیین می کند. با توجه به جو روانی اجتماعی کلاس که اگر جو مناسبی باشد سرزندگی تحصیلی و احساس امنیت در دانش آموزان را به وجود می آورد و اگر جو نامناسبی باشد، احساس دلزدگی، درگیری تحصیلی، افت تحصیلی را برای دانش آموزان به همراه دارد، آیا می تواند با اشتیاق به مدرسه دانش آموزان رابطه داشته باشد؟ و زمانی که معلم یک رابطه با کیفیت و مطلوبی را با دانش آموزان خود برقرار می کند که دانش آموز در آن موقعیت معلم خود را دوست دارد و به او اعتماد می کند و احترام می گذارند و یک رابطه مثبت بین معلم و دانش آموز با اشتیاق بیشتر در مورد کلاس درس همراه است .

راهکارهای ایجاد جو مطلوب در کلاس درس

محیط تحصیلی ایده آل است که در آن دانش آموزان فعال باشند زیرا در روش فعال دانش آموزان مستقیماً در کلاس مشارکت دارند و درگیر تکالیف درسی و سازماندهی مطالب می شوند نقش معلم در این روش هدایت غیرمستقیم دانش آموزان است و حتی دانش آموزان در برنامه ریزی درسی و اجرای مقررات مورد توافق کوشش می کنند. روش فعال باعث شکفته شدن شخصیت عقلی، اخلاقی و سازمان یافتن مبادلات فکری می شود، در نظریه ژنتیک، تحول شناختی الزاماً بر تعامل بین آزمودنی و دنیایی که وی را احاطه می کند مبتنی است. پس می توان گفت که تنها روش فعال است که جو روانی اجتماعی مناسبی را برای یادگیری ایجاد می کند و فرد را به ابداع و نوآوری، انگیزه و رغبت و غیره وا می دارد و روش مستقل که دانش آموزان تنها بیننده و شنونده اعمال و گفتار هستند نمی تواند به یادگیری عمیقی بیانجامد، اگرچه ممکن است در روش های غیرفعال دانش آموزان با مطالب بیشتری آشنا شوند و مطالب بیشتری را به حافظه خود بسپارند ولی فقط به لفاظی کلمات میانجامد و فرد مطالب را درون سازی نخواهد کرد. از آنجایی که هدف از ایجاد یک محیط مناسب آموزشی عبارتست از استفاده حداکثر از وقت و تلاش معلم، نیرو و توان دانش آموز، معلم باید در اداره ی کلاس در موضوع درس مسلط باشد و باید برای آموزش مفید و پربارتر، مهارت انتقال و تفهیم موضوع و چگونگی ایجاد ارتباط و تعادل را داشته باشد. دانش آموزان باید در کلاس فعالانه شرکت داشته باشند. یک معلم باید بداند که چگونه و چقدر صحبت کند. دانش آموزان نباید بطور دائم شنونده باشند آنان باید باشند اظهار نظر کنند و در فرآیند یادگیری، در کلاس فعالانه شرکت داشته باشند، سؤال کنند و به پرسش ها پاسخ دهند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اظهار نظر کنند و در فرایند یادگیری شرکت داشته باشند. معلم باید هنر هدایت فعالیت ها و بحث های لالس را به صورت مطلوب داشته باشد .

ارتباط معلمان با دانش آموزان

این اخلاق در بر گیرنده مولفه هایی از قبیل حفظ اسرار دانش آموزان، پرهیز از تحقیر و تمسخر دانش آموزان، احترام به شخصیت و کرامت انسانی دانش آموزان، راستگویی و صداقت با دانش آموزان، احترام به فرهنگ، زبان، آداب و اعتقادات دانش آموزان و پرهیز از تحقیر و تمسخر آنان، برقراری ارتباط مناسب با دانش آموزان، تغافل و چشم پوشی از خطاهای دانش آموزان (گذشت) اعتماد به دانش آموزان و واگذاری بخشی از مسئولیت کلاس با توجه به توانمندی به آنان، عدم استفاده از تنبیه بدنی و الفاظ زشت نسبت به دانش آموزان، عدم تبعیض بین دانش آموزان، شرکت دادن دانش آموزان در فرآیند تدریس، دوری از توبیخ و سرزنش زیاد دانش آموزان توسط معلمان، اهمیت دادن به نظرات آنان، توجه به تفاوت های فردی و علمی و شناسایی استعداد های دانش آموزان و تلاش در جهت تقویت آنان می باشد .

حال معلمان از خود می پرسند آیا باید به دانش آموزان پرداخت و به آنها توجه کرد و عشق ورزید یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن ها داشت؟ باید به دانش آموزان نزدیک شد و یا باید از آن ها فاصله گرفت؟ حد و مرز روابط با دانش آموزان را چیست و تا چه حد میتوان به آن ها نزدیک شد؟ آیا تنبیه راه حلی منطقی برای اطاعت پذیری دانش آموزان در کلاس درس است یا باید از تنبیه در هر حالی پرهیز کرد؟ آیا استفاده افراطی از روش پاداش و تنبیه، تاثیری در انگیزش دانش آموزان دارد یا خیر؟ رابطه معلم و دانش آموز چه تاثیری در نگرش و انگیزش دانش آموزان در کلاس درس دارد؟ آیا رابطه دوستانه به خودی خود می تواند عاملی برای جذب دانش آموزان و ایجاد علاقه در آن ها نسبت به موضوعات علمی باشد؟ اینها پرسش هایی است که ذهن هر معلمی را برای انجام هر چه بهتر وظیفه اش در کلاس درس درگیر می کند. در راه رسیدن به پاسخ این سوالات و پیدا کردن راه حل منطقی برای هر کدام از آن ها باید تفاوت هایی را هم در نظر گرفت، دانش آموزان از لحاظ توانایی های ذهنی، روش های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی و علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش و انجام فعالیت های تحصیلی با هم تفاوت دارند. نتایج پژوهش های انجام شده در این باره نیز بر این حقیقت تاکید کرد هاند که توجه به تفاوت های فردی یادگیرندگان از سوی معلمان، در بهبود کیفیت یادگیری و افزایش سطح پیشرفت تحصیلی آنان بسیار تاثیرگذار است (تلخ آبی، ۱۳۸۹: ۴۱) .

در حالی که معلمان می توانند مجموعه ای از دانش و مهارت را در تدریس به کار ببندند، برقراری ارتباط خوب و موثر با دانش آموزان با توجه به ویژگی های شخصیتی آن ها از عناصر اصلی در تاثیرگذاری بیشتر بر دانش آموزان و پیشبرد اهداف کلاس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درس است. از طرفی ویژگی های شخصیتی معلمان است که چگونگی ارتباط با دانش آموزان را مشخص می کند و اگر این رابطه نباشد، آموزش معنی پیدا نمی کند. واضح است که چگونگی کیفیت رابطه ی معلم و دانش آموز تا حدود زیادی روی انگیزش و یادگیری دانش آموز تاثیر دارد، به عبارت دیگر می توان گفت جنبه های موثر روابط میان فردی اساسی در کلاس درس برای یادگیری دانش آموزان از جنبه های فهم ذهنی کم اهمیت تر نیست.

در پژوهش های فراوانی به موضوع رابطه بین معلم و دانش آموز پرداخته شده و از آنجایی که معلم وظیفه هدایت و رهبری کلاس را بر عهده دارد با ایجاد رابطه درست، منطقی و متکی به ویژگی های شخصیتی دانش آموزان میتواند انگیزش لازم را در دانش آموزان برای یادگیری ایجاد کند، چرا که انگیزش هم هدف است و هم وسیله، هدف از این حیث که ما از دانش آموزان می خواهیم نسبت به موضوعات مختلف علمی علاقه کسب کنند و وسیله از این جهت که انگیزش به صورت یک پیش نیاز برای یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری کامل آشکار است (بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۲۲).

یادگیری دانش آموزان به میزان بسیار بالایی به حضور دانش آموزان در کلاس درس و رویارویی مستمر و منظم با موضوعات درسی و معلم وابسته است، به همین علت نیز معلم باید بتواند شور و اشتیاق لازم را برای یادگیری هر چه بهتر و بیشتر در دانش آموزان ایجاد کند. از طرفی اشتیاق معلمان و نحوه ارتباط صحیح و شایسته آن ها با دانش آموزان به شور و شوق در دانش آموزان تبدیل شده و از معلم به دانش آموز انتقال می یابد. دانش آموزانی که معلم آنها داوطلبانه درس می دهد انگیزش بیشتری به درس پیدا می کنند تا دانش آموزانی که معلمان آن ها برای دریافت پول تدریس می کنند. به عبارت دیگر معلم و نوع رابطه او با دانش آموزان الگویی است که متغیرهای روانشناختی از طریق آن ها در دانش آموزان درونی می گردد. با این توضیح معلمان در همان ابتدای کار دریافت می کنند که یکی از مهمترین عوامل برای پیشبرد اهداف آموزشی نحوه ی برقراری ارتباط با دانش آموزان است (براهنی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

غالباً معلمان تازه کار نیز در مواجهه با معلمان با نگرش قدیمی تر با این نگاه مواجه می شوند که برای احترام متقابل بین دانش آموز و معلم دانش آموزان باید از معلم بترسند و ایجاد فضایی خشک و سختگیرانه را عاملی موثر در پیشبرد اهداف درسی می دانستند و در خوش بینانه ترین حالت رابطه معلم و دانش آموز به گفت و گویی بین آن ها خلاصه می شد، آن هم فقط منحصر به کلاس درس، اما امروزه محققین عرصه تعلیم و تربیت در باب انگیزش به این نتیجه رسیده اند که صرفاً حتی با صحبت کردن هم نمی توان رابطه موثری با دانش آموزان داشت. از طرفی دیگر معلم برای ایجاد رابطه موثر با دانش آموزان نمیتواند زمان معینی از کلاس را در نظر بگیرد، بلکه تلاش او برای رابطه ای موثر باید در تمام زمان تدریس و حتی خارج از آن باشد، چرا که آموزش بدون ایجاد رابطه ای مداوم و مستمر معنای چندانی نخواهد داشت (امینی، ۱۳۷۷: ۱۴۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روابط انسانی یکی از عوامل مهم در تحقق هدف آموزش و پرورش و موفقیت مدیریت آموزشگاهی است، به علت صاف و زلال بودن دانش آموزان وانعطاف پذیری آن ها روابط انسانی در روحیات و شکل گیری شخصیت آن ها بسیار تاثیر دارد به همین علت معلمان، مدیران و اولیا باید به روابط انسانی در مدارس بسیار اهمیت دهند، معلمان و مدیران تاثیر بسیار زیادی بر رفتار دانش آموزان دارند که بدون تاثیر مثبت از طریق رفتار خود بر متریان نمی توانند در آموزش و پرورش آنها موفق باشند. در بعضی از مدارس تنها بر شیوه ی خواندن و نوشتن دانش آموزان تاکید می کنند، در حالی که این برای تعلیم و تربیت پویا، زیرساختی کافی نمی باشد، بلکه باید در مقاطع مختلف تحصیلی، به تقویت و پایه گذاری فکری دانش آموزان پرداخته شود که در آینده بتوانیم جامعه ای مملو از نیروی انسانی توانمند و دارای افکار پرورده داشته باشیم و با توجه به اینکه آموزش و پرورش تنها نهادی می باشد که سهم بیشتری از هر نهاد دیگری در شکل دادن به افکار و خلقیت نیروی انسانی را دارد؛ به نوعی که آموزش و پرورش همانند تکه مومی می تواند به هر نحوی که اراده کند به افعال و افکار دانش آموزان شکل دهد، باید به این موضوع بیشترین اهتمام را داشت (امامی پور، ۱۳۸۲: ۹۶).

از طرفی هم حاکمیت جو بسته و یا جو مسموم که موجبات ترس، بی اعتمادی و عدم بیان نیازها و مشکلات را به وجود می آورد سبب انسداد راه های برقراری ارتباط و مهار استعدادها و خلاقیت می شود و بالعکس. در محیطی که ارتباط سالم وجود دارد و افراد احساس آزادی منطقی، اعتماد، مالکیت و هویت می کنند. در کلاس درس غالباً مجموعه عوامل متعددی دست به دست هم می دهند و جو روانی را پدید می آورند. اگر دو کلاس یا دو مدرسه مجاور به هم در یک مقطع تحصیلی که از نظر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کامل شبیه به هم هستند را در نظر بگیریم. متوجه می شویم که جو حاکم بر آن ها با هم فرق دارد. در این رابطه گر چه وضعیت فیزیکی کلاس درس و وضعیت روحی فراگیران به نوبه خود در شکل گیری جو روانی کلاس موثر هستند. اما می توان گفت که نقش معلم و رابطه او با دانش آموز در به وجود آوردن چنین فضایی به مراتب مهم تر و تعیین کننده تر است.

اشتیاق دانش آموزان به مدرسه

اشتیاق به مدرسه، به عنوان یک راه برای افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش نرخ ترک تحصیل است و برای موفقیت تحصیلی امری مهم و حیاتی است. اشتیاق به مدرسه در دانش آموزان در امر یادگیری، کاربردهای خودتنظیمی و تحصیلی نقش به سزایی دارد. اشتیاق به مدرسه با رفتارهای مرتبط با سازگاری مدرسه ای از جمله ثبات روی تکالیف، مشارکت و حضور در کلاس مرتبط بوده است. دانش آموزان با اشتیاق به مدرسه، به طور مرتب سر کلاس حاضر می شوند و بر موضوعات یادگیری تمرکز می کنند و به مقررات مدرسه پایبندند، در کل نمرات بالاتری را کسب کرده و پیشرفت تحصیلی خوبی دارند. بین



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کیفیت رابطه معلم دانش آموز با اشتیاق به مدرسه رابطه وجود دارد. در مقابل عدم اشتیاق به مدرسه از جمله عوامل مؤثر در ترک تحصیل هستند، با ترک تحصیل هر دانش آموز، خسارت جبران ناپذیری به جامعه وارد می شود و فقدان اشتیاق به مدرسه باعث عدم پیشرفت در مدرسه، تمایل به رفتارهای انحرافی و خطرناک می شود.

بنابراین اشتیاق به مدرسه عنصری اساسی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد و از آن به عنوان نقطه محوری اکثر نظریات مربوط به افت تحصیلی یاد می شود. لذا بررسی نقش عواملی که می تواند اشتیاق به مدرسه را پیش بینی کند از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا با کسب اطلاعات کافی در این زمینه می توان برنامه های آموزشی مناسب طراحی کرد تا اشتیاق به مدرسه را در آنان افزایش داد و به منظور هرگونه برنامه ریزی برای ارتقاء و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان باید نسبت به ایجاد اشتیاق به مدرسه اقدام کرد.

سلامت روان

مفهوم سلامت روانی از نظر سازمان بهداشت جهانی چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی است، که شامل خوب بودن ذهنی، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و خودشکوفایی توانمندی های بالقوه فکری و هیجانی است. به عبارت دیگر فرد باید بتواند بین آنچه انجام می دهد یا مایل است انجام دهد، از یکسو و آنچه محیط از وی انتظار انجام آن را دارد، از سوی دیگر تعادل ایجاد کند. امروزه همزمان با پیشرفت های جوامع، فشارهای زندگی، تنش ها و مشکلات روانی ناشی از این سبک زندگی نیز افزایش یافته است. این مشکلات مربوط به قشر خاصی نبوده و همه افراد را در زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین توجه به سلامت روانی افراد امری ضروری است، به طوری که سازمان بهداشت جهانی، توجه به بهداشت روانی را جزو مراقبت های بهداشتی اولیه قرار داده است. علم بهداشت روان با هدف حفظ و تامین سلامت روان افراد، برطرف کردن عوامل بیماری زا و پیشگیری از ابتلا به بیماری های روانی پدید آمده است. اهداف این علم در ۵ حیطه خدماتی و آموزشی، پرورشی و مدیریتی تقسیم بندی می شود مدیریت خدمات سلامت روان با برنامه ریزی، سازمان دهی، تخصیص منابع انسانی و مادی، برقراری هماهنگی و ارائه خدمات با کیفیت برتر، شرایط تحقق اهداف فوق را فراهم می سازد (رهبری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶).

سلامت سازه ای چند بعدی است که سازمان جهانی بهداشت آن را حالت مطلوب جسمی، روان شناختی و اجتماعی و نه صرفاً نبود بیماری یا ناتوانی تعریف می کند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲). سلامت روان یکی از ملاک های سلامت عمومی افراد و احساس خوب بودن و اطمینان از کارآمدی خود، اتکا به خود، ظرفیت رقابت، تعلق بین نسلی و خودشکوفای بالقوه فکری و هیجانی است. همچنین نقشی مهم در تضمین پویای و کارآمدی هر جامعه دارد. در واقع فردی که قابلیت موزون و هماهنگ با



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دیگران، تغییر اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی، به طور منطقی، عادلانه و مناسب را داشته باشد از سلامت روانی برخوردار است (منظومه و اکبری، ۱۳۹۸: ۳۶).

سلامت روان یکی از مهمترین شاخص های سلامت و بهداشت یک جامعه قلمداد می گردد. دی (۲۰۰۷) سلامت روان به بهبودی عاطفی برای لذت بردن از زندگی و گذراندن درد، ناامیدی و ناراحتی و رسیدن به سطوحی از اعتقاد به شان و ارزش خود و دیگران اشاره دارد. سلامت روانی را استعداد روان برای هماهنگی، خوب و موثر کارکردن در موقعیت های دشوار انعطاف پذیر بودن و برای ارزیابی خود تعادل داشتن تعریف کرده اند. سلامت روانی متاثر از مجموعه ای از عوامل جسمی، اجتماعی، شناختی است هرآنسانی که بتواند بامسائل عمیق خود سازش یابد و در برابر تعارض های اجتناب ناپذیر درونی خود ناتوان نشود و خود را به وسیله جامعه مطرود نسازد دارای سلامت روانی است (بحرینی، ۱۳۹۷: ۱۳).

مفهوم سلامت روانی از نظر سازمان بهداشت جهانی چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی است، که شامل خوب بودن ذهنی، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و خودشکوفایی توانمندی های بالقوه فکری و هیجانی است. به عبارت دیگر فرد باید بتواند بین آنچه انجام می دهد یا مایل است انجام دهد، از یکسو و آنچه محیط از وی انتظار انجام آن را دارد، از سوی دیگر تعادل ایجاد کند. مقوله سلامت روان، چیزی بیش از نداشتن اختلالات روانی می باشد و هدف روانشناسان از درمان اختلالات روانی خاص به مدیریت طیف گسترده ای از شرایط روحی و روانی منتقل شده است. عوامل متعددی بر سلامت روان تأثیر می گذارند از جمله: قرار گرفتن در شرایط خاص و ورود به جوامع بزرگتر، محیط آموزشی اجتماعی و فرهنگی متفاوت، مشکلات اقتصادی و تغییرات در زندگی فردی و اجتماعی که توأم با استرس است (اخوان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

سلامت روان به مفهوم احساس درونی خوب بودن و اطمینان از کارآمدی، اتکا و اعتماد به خود، قابلیت رقابت، دوست داشتن دیگری، شکوفای استعداد و توانایی فکری و هیجانی است. سلامت روان مفهومی است که چگونگی احساس، تفکر و عملکرد فرد را در مواجهه با موقعیت های زندگی نشان می دهد و به درک فرد از خود و زندگی بستگی دارد. در حقیقت سلامت روان چیزی بیش از نبود بیماری روانی است؛ همچنین بسته به میزان برخورداری از سلامت روان، عملکرد ما در کنترل استرس، برقراری ارتباط با دیگران، ارزیابی ها و انتخابان متفاوت است. سلامت عمومی دانش و هنری است که به افراد کمک می کند تا با ایجاد روش های صحیح از لحاظ روانی و عاطفی بتوانند با محیط سازگاری نموده و راه های مطلوب تری را برای حل مشکلاتشان انتخاب کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

یکی از انواع ارتباطات انسانی، رابطه ی دانش آموزان با سیستم آموزشی است. در سیستم های آموزشی، افراد زیادی مشغول به کارند و دانش آموزان به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آن ها رابطه دارند. اما در این میان، نقش معلمان از دیگر افراد بسیار برجسته تر می نماید، چنان که دانش آموزان بیشتر اوقات خود را در مدرسه زیر نظر آن ها سپری می کنند. هر کلاس درس یک محیط اجتماعی است که در آن معلم و دانش آموز با یکدیگر به تعامل می-پردازند. راهبردهای آموزشی معلم ترکیبی است از ملاحظات نظری و ارزیابی ویژگی های هر یک از دانش آموزان به منظور ایجاد ارتباط مناسب با آن ها. ارتباط معلمان با دانش آموزان از جنبه های اساسی آموزشی است. دانش آموزان با روابط مثبت، بیشتر در فعالیت های یادگیری درگیر می شوند در حالی که روابط منفی باعث مشکلات و افت تحصیلی می شود، روابط نزدیک باعث ملایمت و اعتماد می شود در مقابل تعارض روابط با عدم تطابق و عدم اعتماد همراه است و به طور جدی می تواند باعث تضعیف دانش آموزان در مدرسه شود. رابطه ی مثبت معلم با دانش آموز با احساس تعلق بیشتر به مدرسه همراه است و روابط همسلمان بهبود همچنین رابطه ی معلم و دانش آموز اثر مستقیم بر تعامل دانش آموزان، یافته و با موفقیت بالاتر همراه است در کلاس درس دارد حمایت معلم از کودکان در دوره ی مهد کودک و پیش دبستانی مهمتر از دوره ی دبیرستان است، بر اساس نظریه ی دل بستگی کودکان از روابط مراقبان بزرگسال خود بازنمایی ذهنی می کنند و فرآیندهای حفاظتی به خصوص در سال های اولیه باعث عواقب دراز مدت در تنظیم مدرسه دارد .

منابع و مآخذ

- اخوان، مائده. پورقانع، پرنده. نادری شاد، شایان. (۱۳۹۶). بررسی مقایسه ای سلامت روان در دانشجویان سال اول و آخر رشته های عمل و هوشبری، نشریه روان پرستاری.
- امینی، محمد. (۱۳۷۷). افزایش اثربخشی معلمان در فرآیند تدریس مبانی برنامه ریزی آموزشی، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی، چاپ سوم.
- امینی صدر، محمدجواد (۱۳۹۰). رابطه بین سازگاری اجتماعی با شادکامی در دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
- بحرینی، زهرا. ثناگوی محرر، غلامرضا. (۱۳۹۷). اثربخشی درمان متمرکز برهیجان بر پذیرش درد و ابعاد سلامت روان بیماران مبتلا به کهیر"، نشریه سلامت اجتماعی.
- براهنی، اشرف (۱۳۹۰). رفتار با نوجوانان، انتشارات نقش و نگار، تهران، چاپ دوم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بهادری خسروشاهی، جعفر و حبیبی کلیبر، رامین (۱۳۹۶). تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر انگیزش تحصیلی و سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه، نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال دهم.

تلخ آبی، علی شاه و عباسی، رسول و لشگری پور، کبری، (۱۳۸۹)، بررسی مهارت‌های ارتباطی در رفتار کلاسی معلمان و رابطه آن با درصد قبولی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران، نوآوری‌های مدیریت آموزشی، دوره پنجم.

رهبری، شهروز. ریاحی، لیلا. طبیبی، سید جمال الدین. (۱۳۹۷). مقایسه مدیریت خدمات سلامت روان در ایران و کشورهای منتخب، نشریه مدیریت ارتقای سلامت.